

آیه ۱۷۵؛ [هود]، آیه ۸۸ و ...) نقش و رسالت آنان «اصلاح طلبی» دانسته شده است. در قرآن اساس دینداری و سلوک مذهبی، عنوان «عمل صالح» ذکر شده است. به همین دلیل تمامی مصلحان مسلمان از گذشته تا حال اقدامات اصلاح طلبانه و پیرایشگرانه خود را، چه در حوزه تحول در اندیشه دینی و خرافه زدایی از ساحت دین و چه در عرصه بھبود اجتماعی حال مسلمانان و چه در حوزه اخلاق و معنویت و توسعه آن در زندگی فردی دینداران، کاملاً مستند و برآمده از قرآن و سنت می‌دانند و همه این کوششها را به عنوان یک امر دینی انجام می‌دهند که موجب رضایت خداوند و اولیای دین است. هر چند در روزگار جدید تحت تأثیر تحولات مدرن و نیازهای اجتماعی مبرم، این اصلاح طلبی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اما این امر از اصالت و اعتبار دینی آن نمی‌کاهد. در واقع مصلحان مسلمان امروز کاری جز این نمی‌کنند و با پیرایش اسلامی تاریخی از گرد و غبار ایام، خرافات، افکار، آداب و عقاید غیر دینی و غیر عقلی، احیا و بازسازی نوین آن به تناسب علم و دانش و تجربه بشر پیشرفتۀ امروز، بار دیگر به باری انسانها و بیشتر مسلمانان بستایند و بار دیگر به بھبود حال و احوال فردی، اخلاقی و اجتماعی مسلمانان باری برسانند. شعار بازگشت به اسلام و بازگشت به قرآن معنایی جز این ندارد. اما به طور خاص اصلاح طلبان اخیر ایران، همان انقلابیون دیروزند، که البته با تغییر برخی پارادایمها در واقع همان آرمانهای ناکام پیشین را در سطحی عمیق‌تر و پیراسته‌تر پیگیری می‌کنند. هدف اصلی آنان به لحاظ سیاسی و کوتاه‌مدت تغییر مدیریت کلان کشور از حالت محافظه کارانه و تئوکراتیک به دمکراتیک و مردم‌سالار از طریق مسالمت و قانونی هستند.

هر چند اصلاح طلبان مسلمان طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و اختلافات فکری جدی نیز در پاره‌ای موارد در میانشان وجود دارد، اما یک اجماع یا توافق نسبی در بین سخنگویان اصلی شان مthaldeh می‌شود. برخی از این توافقها در امور مهم چنین است:

۱. اعتقاد به «پرتوستانتیسم اسلامی» و تحقق «رنانس اسلام». در واقع این مدعای معنای نوسازی و بازسازی اندیشه دینی و به قول اقبال لاموری تجدید نظر در کل دستگاه مسلمانی و تحقق اصلاحات اجتماعی از طریق اصلاح فکر دینی است.

۲. تفکیک بین اصول مسلم دینی با معرفت دینی، مبانی و اصول قطعی متخذ از کتاب و سنت قطعی و حیاتی است و دست آدمی در آن راه ندارد، اما معرفت دینی به معنای فهم انسانی از متون و اصول مسلم، اولیه و کلی است و لذانسی است و راههای آن فقط صدق و کذب بر می‌دارند، اما هیچ فهمی مطلق و کامل ترین نیست. چراکه اصولاً در تفسیرها، «برترین فهم» ناممکن است. هرچند فهم درست و نادرست و یا فهم متند و نامتند و یا فهم برتر وجود دارد. به عنین دلیل در نظر نوآندیشان مسلمان تاریخ و معارف و سنت میراثی دین عین دین نیست. به هر حال رویکرد هر منویکی به دین و منابع دینی امروز مقبولیت قابل توجهی یافته است.

۳. تکیه بر اصل اجتهاد، اجتهاد به معنای نوآندیش و بازسازی فکر دینی در اصول و فروع به عنوان موتور حرکت عمیق و بنیادین در اندیشه و فرهنگ اسلامی. اجتهاد هم نقد سنت را ممکن می‌سازد و هم نقد مدرنیته را و مصلحان را به طراحی مستقلانه رنسانس اسلامی و پیشبرد اصلاحات توانا می‌سازد. بدون اجتهاد نه دینداری در عصر جدید ممکن است و نه مفید و نه امکان استفاده از علوم و فنون و فرآورده‌های تجارب بشری وجود خواهد داشت. البته منظور از اجتهاد فقط اجتهاد فقهی به معنای رایج نیست.

۴. نفی واسطه بین خدا و خلق و نفی دستگاه رسمی تولیت دینی. به دلیل تکیه بر اصل آزادی و اختیار و مسؤولیت پذیری مستقیم هر مسلمان در تمامی انتخابهایش و نیز به دلیل نفی واسطگی بین خلق و خالق، در نظر نوآندیشان مسلمان یک دستگاه رسمی که تنها معرف و مفسر دین باشد، مستغی است. (آن گونه که در میحیث وجود دارد).

هرچند ضرورت عالمان و کارشناسان معارف دینی پذیرفته شده، این اندیشه سخت مورد مخالفت علماء و نهاد رسمی دین قرار گرفته است و لذا یکسی از چالش‌های مهم بین اصلاح طلبان و محافظه کاران و سنت‌گرایان و بنیادگرایان است.

۵. طراحی نوعی او مانیسم اسلامی و اعتقاد راسخ به «تشخیص» آدمی و کشف عناصری چون اراده، آفرینشگی، اختیار، آزادی، قدرت و حق انتخاب برای آن. هرچند انسان در هر حال بندۀ خدا است و کمال او نیز در بندگی مخلصانه است؛ اما این موجود از منزلت و حقوقی برخوردار است که در اندیشه اسلام سنتی کمتر به آن

توجه می‌شود. محور اساسی اصلاح طلبی و دین‌شناسی مصلحان، انسان‌شناسی نوین آنان است.

۶. اعتقاد به حقوق طبیعی و ماتقدم آدمی بر هر نوع تعیینی. انسان منهای عقیده محترم است و تمامی آدمیان نیز از حقوق انسانی مساوی برخوردارند. (ماده اول و دوم اعلامیه حقوق بشر). به لحاظ انسانی هیچ تمایزی بین افراد و اقوام و ملتها نیست. از این‌رو پلورالیسم فکری و سیاسی و کثرت گرایی در سطوح مختلف ممدوح است؛ چراکه این تکثرها پیش از هر چیز معلول اراده و مشیت خداوند است و در چارچوب پروژه آفرینش پدید آمده، نه خارج از آن.

تساهل و رواداری یک اصل دینی است و خلاف آن ضدیت با پروژه آفرینش است و لذا هیچ دینداری حق ندارد در این مورد به کسی منت گذارد.

۷. اعتقاد به دمکراسی و تحقق مردم‌سالاری و حاکمیت سیاسی مردم بر امور مدنی خود. تمامی مصلحان نوآندیش اسلامی به منظمه از مینی قدرت و احراز مشروعیت حاکمیت سیاسی از طریق رضایت و خواست عمومی اعتقاد دارند. هر چند می‌توان آن را نوعی «قرارداد اجتماعی» دانست، اما قراردادی است که بر اساس انتقال حق الهی سلطنت و حاکمیت به‌نوع انسان مجاز و مشروع شمرده می‌شود و لذا حکومت فردی و استبدادی و یا نژادی و طبقاتی مطلقاً محکوم است و به گفته «نانینی» در صد سال قبل، «استبداد شرک و کفر عملی است و جهاد با آن به منظور استقرار مردم‌سالاری واجب دینی است».

۸. مخالفت با دین حکومتی و در نتیجه آزادی کامل و بی‌قید و شرط هر دین و ایدن‌لوزی و آزادی بیان و یا عقیده‌ای در چارچوب قوانین و مقررات دمکراتیک جامعه. نهاد دین و نهاد حکومت دو مقوله ذاتاً متفاوتند و ادغام آن دو نه به نفع دین است و نه به نفع آزادی و دمکراسی. هر چند دین و سیاست را نمی‌توان از هم جدا کرد.

۹. اعتقاد به تغییرپذیری احکام اجتماعی اسلام. از نظر غالب مدافعان اسلام اصلاح طلب، اصول نظری و یا عملی بدیهی و قطعی دین جاودانه است و می‌توان با مبانی عقلی و استدلالی از فرازمانی-مکانی آنها دفاع کرد. اما احکام اجتماعی (مانند قوانین کیفری، اقتصادی یا حکومتی) ذاتاً تغییرپذیرند و در صورت تغییر موضوع

یا تغییر فلسفه احکام به صورت اجتناب ناپذیری تغییر می‌کنند. فی المثل احکام جزایی یا پاره‌ای از حقوق زنان در شرایط امروزی نیاز به بازنگری اجتهادی و اساسی دارند. البته این نوع اجتهاد قبل از هر چیز به نوسازی مبانی و روش‌شناسی در دین و معارف سنتی وابسته است.

۱۰. رابطه با غرب بر اساس «تفاوت» و «تفاهمنامه» خواهد بود. مطالب فراوانی درباره غرب جدید گفته شده و می‌شود، اما در مجموع مصلحان مسلمان، غرب جدید و جهان مدرن را مرحله‌ای تکاملی در تاریخ بشر می‌دانند و استفاده از تجارب آن را منطبق با مبانی اسلامی و یک ضرورت عقلی و عملی ارزیابی می‌کنند. همان‌گونه که قرآن به آن توصیه می‌کند و پیامبر اسلام و مسلمانان صدر اسلام چنین کردند.

نکته قابل ذکر دیگر آن است که در حال حاضر دو گرایش عمده در طیف اصلاح طلبان مسلمان وجود دارد. شاید بتوان گفت یک جریان بیشتر به لیبرال دمکراسی گرایش دارد و جریان دوم جریان چپ اسلامی است که به سویال دمکراسی تمایل نشان می‌دهد. جریان چپ اسلامی برخورد نقادانه‌تری (شاید بتوان گفت از نوع جلسه انتقادی فرانکفورتی) به غرب و مدرنیته دارد. این جریان عقلانیت و عقلانی شدن را مبنای دینداری می‌شناشد، اما در عرصه سیاست بیشتر به عقلانیت تفاهمنامه باور دارد تا عقلانیت ابزاری. و لذا دمکراسی تفاهمنامه و مشارکتی را به اساس تفاهمنامه و گفت‌وگو و افناع بیشتر می‌پسند و از نظر مدل حکومتی شیوه شورایی و گسترش نهادهای مستقل مردمی را مرحله‌ای متمکمل‌تر و انسانی‌تر و به دمکراسی نزدیکتر می‌داند. اما شاید بتوان مهمترین تمايز بین دو جریان را رویکرد اجتماعی به این دانست. گروه اول بیشتر به اسلام فردی تمایل دارد و گروه دوم اسلام را به مثابه یک جنبش اجتماعی مطرح می‌کند و می‌خواهد از طریق طرح اسلام اجتماعی اصلاح طلب به اصلاحات اجتماعی در جوامع اسلامی برسد.

گفت و گوی بی‌بی‌سی با حسن یوسفی اشکوری^۱

حسن یوسفی اشکوری یکی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین، طی

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۲/۴.

گفت و گویی با بی‌بی‌سی در پاسخ به این سؤال که به نظر او دلیل ایجاد این همه سرو صدا درباره این کنفرانس چیست؟ گفت: آقایان حرفشان این است که چرا در آنجا کسانی پاشدند اعتراض کردند، یار قصیدند، یا عربیان شدند و بعد هم می‌پرسند چرا این افرادی که در آنجا شرکت داشتند... [جلسه را ترک نکردند] اینها روی این دو نکته تأکید می‌کنند که باید در پاسخ عرض بکنم که اولاً جنجال را آنها ایجاد کردند و اعتراض را آنها کردند و این هم در خارج از کشور بی‌سابقه نیست.

این که می‌گویند چرا ماجلسه را ترک نکرده‌ایم تحریف واقعیت است، چرا که وقتی این صحنه به وجود آمد همه اعضای جلسه کنفرانس را ترک کردند و اصلًا جلسه تعطیل شد و از این گذشته لحظات و صحنه‌های مبتذل کلاً ۷ الی ۸ دقیقه بیشتر نبود.

واقعیت قضیه این است که این حادثه در ایران در ادامه همان سلسله حوادثی است که در طول دو سه سال کم و بیش مشاهده شده‌ایم که از کاهی کوهی می‌ساختند و از یک قطره‌ای طوفانی پا می‌کردند و موجهایی به دنبال یک مقاله‌ای که در نشریه هوج آمده بود ایجاد کردند و هدف اصلی شان هم خیلی واضح و روشن است و آن این است که بحران آفرینی و تشنج آفرینی کنند و در این میان با کسانی که نمی‌پسندند تصفیه حساب کنند و هم از طرف دیگر در نهایت موانعی بر سر راه اصلاحات به وجود بیاورند و دولت خاتمی را با مشکلات مواجه کنند.

بی‌بی‌سی سؤال کرد: در این هیاهویی که آفریده شده کسانی هم هستند از اصلاحات طرفداری می‌کردند ولی در مقابل این کنفرانس بولین موضع گرفتند، آنها چطور؟

اشکوری در پاسخ گفت: دو احتمال معقول است. یکی فرصت طلبی بعضی‌ها است که کم و بیش در موقعی خودشان را همراه جماعت نشان می‌دهند. چون در میان این جناح اصلاح طلبان هم افراد کمی را مانع شناسیم که به طور مبنایی و اصولی نه با مبانی اصلاحات موافقت دارند نه بال لوازم و نتایج اصلاحات. ما بخش دیگر شاید مربوط بشود به آدمهایی که حزن نیست دارند و از سرفراست طلبی سخن نگفته‌اند، کسانی باشند که تحت تأثیر جوّسازی‌های تلویزیون قرار گرفته‌اند.

اشکوری در پاسخ به این سؤال بی‌بی‌سی که چرا در میان شرکت کنندگان در کنفرانس به او واکیت گنجی بیشترین تهمت‌ها را می‌زنند، اظهار داشت: گنجی در طول

یکی دو سال اخیر به عنوان یک روزنامه‌نگار شجاع پرده خیلیها را بالا زده بود و خیلی از مسائل را برای مردم روشن کرده بود که به تعبیر خودش عالی‌جنابان خاکستری و کمایش تاریکخانه‌های اشباح را روشن کرده بود. بنابراین اینها متوجه فرستنی بودند که از گنجی انتقام بگیرند.

در مورد بندۀ هم یکی به‌این دلیل که تنها روحانی این کنفرانس بود و حرفها و صحبت‌هایی آنجا اظهار کردم که با مذاق خیلیها سازگار نیست و بعضی‌ها آنرا غیر اسلامی می‌دانند و بخش دیگر مانند گنجی در واقع به‌نوعی تصفیه حساب گذشته است با بندۀ و به‌همین دلیل می‌بینیم که...^[۱] در خارج از کشور از سوی نیروهای مخالف و نیروهای برانداز مورد سخت‌ترین تهمتها و توهینها واقع شدیم و در واقع چوب دیگران را خوردیم و در تهران هم بازشترین تهمتها و توهینها از سوی کانی مواجه شدیم که داعیه اسلام و حفظ ارزش‌های دینی را دارند.

بیانیه سحابی و یوسفی اشکوری درباره کنفرانس برلین^[۲]

«عزت الله سحابی» و «حسن یوسفی اشکوری» دو تن از شرکت‌کنندگان در «کنفرانس برلین»، با انتشار بیانیه مشترکی (خارج از کشور) تأکید کردند: در این کنفرانس کوچکترین اقدام نادرست یا مغایر با منافع ملت ایران صورت نگرفته و کلامی برخلاف مصالح مردم و حتی نظام گفته نشده است.

در این بیانیه که با عنوان «وارونه‌نمایی و شارلاتانیسم سیمعانی لاریجانی» آمده است: باید به تأکید گفت اولاً سخنرانان سخنانی که قبلاً در ایران نگفته باشند، نگفته‌اند. ثانیاً، برخلاف [نظر] نادرست گروهی جنجال‌آفرین، سخنرانان در پاره‌ای موارد از اظهار نظر واقعی خود، خودداری کردند تا مبادا موجب سوءاستفاده مفترضان و اخلاق‌گران ایرانی و غیر ایرانی شود و ثالثاً، هیأت ایرانی، در چند نشست خصوصی با مقامات وزارت مطبوعات و سخنگوی دولت آلمان، وزارت خارجه و نمایندگان احزاب، سبزها و... منافع و مصالح دولت و ملت ایران را مطرح کردند و از آن دفاع کردند.

اکنون جای گزارش کامل و جامعی از کنفرانس و نتایج آن نیست، [اما]، بنیاد

۱. جاافتادگی از متن است.
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی. ۱۳۷۹/۲/۴.

هاینریش بیل به قصد انتقال افکار اصلاح طلبان ایران و معرفی ابعاد مختلف اصلاحات و ضرورتهای آن به خارج از کشور که در نهایت کمک بهبود روابط با دولت آقای خاتمی، این کنفرانس را برگزار کرد، کاری که از نظر ما مفید و مثبت بوده است.

این دو شرکت کننده کنفرانس برلین، اجرای اغلب برنامه‌های کنفرانس را از دیگر موافقیت‌های آن دانسته و نوشته‌اند: به رغم کوششهای فراوان یک گروه بسیار قلیل آنارشیست و معروف به بی‌اخلاقی و واپسگی به... صهیونیسم جمهانی، کنفرانس می‌توانست اغلب برنامه‌های خود را به اجراء درآورد و این خود یک پیروزی برای میزبان و مهمانان ایرانی اصلاح طلب بود.

همچنین به دلایل عینی و مستند، این کنفرانس موجب شد که گروه برانداز و بدنام پیش از پیش در میان ایرانیان مقیم خارج و اروپاییها، به ارزوای بدنامی و رسوایی رانده شده و در میان چند دسته از آنها تفرقه و جدایی شدید ایجاد شود... آثار و نتایج کنفرانس به نفع منافع ملی و تقویت اصلاحات و اصلاح طلبان در ایران بوده است. بویژه تمامی سخنرانان با طرح دیدگاههای شفاف خود در امور مختلف کشور که در مواردی با هم متعارض بود... [و]، دمکراسی و آزادی نسبی موجود در ایران را به نمایش گذاشتند و از سوی دیگر، آلمانیها و ایرانیهای خارج از کشور را هر چه بیشتر و عمیق‌تر با مسائل ایران و نقاط قوت یا کاستیهای آن آشنا کردند... بر کسی پوشیده نیست که مخالفان کنفرانس برلین برای مقابله با اصلاحات دولت آقای خاتمی دست به چنین هیاهو و آشوب ضد اخلاقی و بیهوده زده‌اند، کاری که بارها در طول سه سال اخیر انجام داده‌اند و همواره سعی کرده‌اند از کاهی کوهی بازنده و موجی را به طوفان تبدیل کنند و هر جمله‌ای را دستاویز حمله به مطبوعات و روشنفکران و اصلاح طلبان قرار دهند.

اگر تعداد اندکی (حدود ۱۰۰ نفر در یک جلسه بزرگ ۱۵۰۰ نفره) برای آزار سخنرانان دست به اقدامات رذیلانه و حقیر و غیر اخلاقی زدند، چرا باید مهمانان مظلوم و توهین‌شده پاسخگو باشند؟

جناحی خاص با وارونه‌نمایی و تحریف و گمانه‌زنیهای [خار] و تحلیلهای

مغرضانه می‌کوشید، چنین بنماید که این کنفرانس با انگلیزه دشمنی با جمهوری اسلامی تشکیل شده و مدعوین آن بهزیان منافع ملی و ضد ارزش‌های مقبول دینی و اجتماعی سخن گفته و در نهایت، دستاوردهای کنفرانس را منفی و مغایر با مصالح ملی ارزیابی کند.

اقدام غیر اخلاقی و تحریف گرانه سیمای لاریجانی این شارلانانیسم را به‌موقع خود رساند و اقدام بعدی و غیر قانونی دادگاه انقلاب در احضار سخنرانان کنفرانس، ساریوی حاب‌شده جناح سرکوب را [وارد مرحله] جدی و جدیدی کرد.

در هر حال، ما خود را در برابر وجودان اسلامی و ایرانی خود و ملت بزرگ ایران و مدافعان اصلاحات، سرفراز و موفق می‌بینیم و پاسخگوی گفتار و رفتار خود هستیم. اما أعمال شریزانه و غیر اخلاقی و تحریف گرانه مطبوعات سرکوبگر و عوامل آنها و بویژه اقدام غیر قانونی و ضد انسانی سیمای لاریجانی را محکوم می‌کنیم...

لاریجانیها پاسخگوی عمل نادرست خود باشد و ملت شریف و عزیز ما با هوشیاری خاص خود، با فتنه‌انگلیزی جدید جناح رو به‌زوال انحصار برخورد کند. این واقعیت برای ملت ستم‌کشیده ایران بار دیگر نشان داد که هماهنگی... سیاست صهیر نیستها و آمریکاییها در مخالفت با بهبود روابط ایران با اروپای غربی (غیر از انگلیس) و سیاستهای جناح انحصار طلب وجود دارد و این از طنزهای قابل تأمل تاریخ است.

کنفرانس برلین با عنوان «ایران بعد از انتخاب مجلس ششم» به دعوت بنیاد هاینریش بُل در روزهای ۱۹ تا ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ در این کشور برگزار شد و در آن ۱۷ تن از افراد موسوم به اصلاح طلبان ایرانی شرکت کردند.

مصاحبه با خانم مهرانگیز کار^۱

اشاره: در حاشیه کنفرانس برلین از سوی نشریه کار مصاحبه‌ای با خانم مهرانگیز کار صورت گرفت که در زیر می‌خوانید. این مصاحبه توسط رفیق شهلا فرید انجام گرفته است.

۱. به‌نقل از سایت اینترنتی قدایی (Org).

* خانم کار، شما در مورد صحبت خانم شهلا شرکت و حضور زنان سنتی در جامعه بعد از انقلاب، صعبتها باید داشتید، می‌توانید آنرا توضیح بدید؟

۱۰ سالهاست می‌شنویم می‌گویند یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی این بوده است که خانواده‌های سنتی و مذهبی تحت تأثیر فضای مذهبی و اجباری شدن حجاب، راه را باز کردند برای زنان و دخترانشان تا از خانه‌ها بیرون بروند و جذب مراکز آموزشی و اجتماعی شوند. بدون این‌که این نکته را رد یا نقی کنم، ولی این گویندگان نصف واقعیت را می‌گویند. واقعیت این است، ابتدا زنان سکولار که تقریباً همه زنان شاغل در عصر پهلوی و همزمان، انقلاب را تشکیل می‌دادند، سرکوب شدند و این سرکوب هنوز ادامه دارد. پاکسازیهای وسیع شدند، نه تنها از مراکز دولتی، از دانشگاهها و بخش خصوصی هم، فقط به جرم این‌که بی‌حجاب بودند، خیلیهایان خانه‌نشین شدند. خیلیها به گروههای مهاجر پیوستند که بسیاری از تظاهرات خاصی را که اینجا می‌بینیم، ممکن است ناشی از نارضایتیهای شدید اینها باشد که مجبور شوند به خارج مهاجرت کنند و تن به مشکلات شدیدی بدهند. در مجموع این طیف سرکوب شده اعتماد به نفس خود را از دست داد. فقط بن‌ماهیه‌ای از آن در ادبیات، شعر، هنر و سینمای معاصر، در حال حاضر گاهی حضوری پیدا می‌کند، ولی اساساً از آنجاکه در قوانین ما حقوق مخالفین رعایت نشده – نه در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نه در سایر انتخابات، نه در مطبوعات – بنابراین زنان متعلق به طیف سکولار هم به آن شکل سرکوب شدند و هم به شکل این‌که قانون، حقوق مخالفین را اصلاً رعایت نمی‌کند. آنها همواره ناگزیر بودند در امر سیاسی کشور مداخله نکنند. مگر در انتخابات دوم خرداد به لحاظ نحوه بیان آقای خاتمی درباره حقوق مدنی – شاید هم در انتخابات اخیر مجلس – هرچند تا آنجاکه من می‌دانم، ۱۲ میلیون نفر از کسانی که حق رأی داشتند، در انتخابات شرکت نکردند.

ولی به هر حال، ما اگر از عملکرد جمهوری اسلامی بعد از انقلاب کارنامه و گزارش می‌دهیم؛ ضمن این‌که این نکته مثبت را گزارش می‌کنیم، این عملکرد منفی را هم باید گزارش کنیم و ابعادش را نگاه کنیم. اصلًاً بروند روی این موضوع تحقیق کنند، ببینند این سرکوب چه صدماتی به این کشور زده، از نظر ملی و حیاتی و چه چهره‌ای از ایران در جهان ترسیم کرده است؟

• شما در مورد مجلس ششم و امکانات آن برای تغیر قوانین چه نظری دارید؟

□ من تصور می‌کنم شعارهای انتخاباتی که از گروههای دوم خردادری در انتخابات دیدیم، شعارهای بسیار خوبی بودند. «ایران برای همه ایرانیان» دیگر اجازه نمی‌دهد که این‌گونه قوانینی که بر اساس آن نه انتخاب آزاد است، نه مطبوعات آزاد، نه آزادی بیان به طور کامل وجود دارد، نه زنان حقوق برابر با مردان دارند، نه غیر مسلمانان و دگراندیشان حیاتشان امنیت دارد، و طبق ساختار این قوانین نمی‌تواند دیگر تأکید کند بر باقی ماندن این قوانین بر ساختار حقوقی کشور. بنابراین باید چاره‌هایی اندیشید. آن نظر فقهی که امروز از آقای یوسفی اشکوری شنیدید، و بسیار نظرگاه و دیدگاه سازنده‌ای بود و با وضعیت امروزی ایران متناسب بود، متاسفانه نظر غالب در سیاستگذاری و قوانین ایران نیست.

نظر غالب، نظر فقهایی است که اصولاً قابل بهاین‌گونه تفاسیر از متون دینی نیستند، همان نظری است که می‌گوید حجاب اجباری است، فرضًا سنگار باید باشد و نمی‌شود لغو کرد، قوانین خشونت‌آمیز باید باشد، مهدو رالدم را می‌توانند بکشند، بعد ببایند در دادگاه ثابت کنند این مهدو رالدم بوده، یعنی قوانین خشونت‌آمیزی که فی‌نفسه دیگر قابل دفاع در این زمانه نیست. و متاسفانه آن نظر فقهی که شنیدید، نظر رسمی نیست.

دو امیدواری باید داشته باشیم: اول این‌که اصولاً مجلس ششم بخواهد اساساً نسبت به آرمانهای اعلام شده‌اش و برای اصل قوانین وفادار باشد. دیگر این‌که فقهایی از نوع یوسفی اشکوری (منظورم دیدگاهی است)، منیش ولی فقیه و شورای نگهبان را تشکیل دهند، تا مانع از سر دمکراسی و حقوق شهروندی برداشته شود. و گرنه حتی اگر مجلس هم تصویب کند، به نظر فقهی شورای نگهبان برخورد می‌کند و مصوبه ابزار قانونی پیدا نمی‌کند.

• آیا امکان تشکیل انجمنهای زنان وجود دارد؟

□ مسئله فقط انجمن زنان نیست، به طور کلی تشکیل انجمنهای غیر دولتی به علت قوانین و مقررات ناظر به‌این تشکلها تقریباً امر محالی است، چون بینش گزینشی در جریان تأسیس آنها خیلی زیاد و مقررات دست و پاگیر فراوان هستند. یعنی کسی که می‌خواهد تشکل تأسیس کند، اگر به وزارت کشور مربوط شود، باید در آنجا یک کمیسیونی که نمایندگان حاکمیت در آن هستند، این را تأیید کند، جذو

آباد مؤسسین را مورد تفحص قرار می‌دهند، یا از مراجع باید نامه‌ها و استعلامهایی داشته باشند. هادامی که افرادی که می‌خواهند یک مؤسسه را تأسیس کنند، تا این حد باید مورد تأیید سیاستهای رسمی و امنیتی کشور باشند، مانند توانیم قائل به تشكلهای غیر دولتی در کشور باشیم. در حال حاضر که من با شما صحبت می‌کنم، یکی از مسائلی که در ایران صحبت می‌کنند، این است که این قوانین هم باید بازنگری شود، دلیلی ندارد که اگر تشكل غیر دولتی است، مؤسسین آن این‌قدر با خط حاکمیت تجانس داشته باشند، حتی اگر به آن مجوز هم بدهند، چگونه می‌توان به غیر دولتی بودن آن استناد کرد.

• نظر شما نسبت به این کنفرانس چه بود؟

□ کنفرانس جهات مختلف داشت. از نظر کنار هم قرار گرفتن دیدگاههای مختلف و شنیدن حرفهای کسانی که از ایران آمده بودند، برای شنوندگان می‌توانست مفید باشد. بعضی‌ها معتقد بودند این کنفرانس مضر است. من از مسائل پشت پرده خبر ندارم، من به دعوت بنیاد هاینریش بُل آدم و فکر می‌کنم هر گفت‌وگویی در فضاهای دمکراتیک می‌تواند مفید باشد و مخالفان اگر قوانین دمکراتیک را رعایت کنند، بهتر می‌توانند اعتراضهای خود را به گوش هم برسانند.

هدف چیست؟^۱

مهرانگیز کار، حقوقدان و یکی از دعوت‌شدگان به کنفرانس برلین بود. وی در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد: افکار عمومی جهانی باید تصویری از ایران جدید ببینند و بدانند در این کشور، عقاید گوناگون می‌توانند حرفهای خود را بیان کنند. وی درباره پخش فیلم کنفرانس از سیما گفت: نمی‌دانم هدف از پخش چنین فیلمی چه بود؟ آنچه در کنفرانس بیان شد، آنچیزی است که در سراسر این سالها امکان چاپ در مطبوعات ایران را داشته است.

کنفرانس برلین و فعل وارونه^۲

علی افشاری

پخش تصاویر گرینشی کنفرانس برلین از طرف صدا و سیما تحت عنوان گزارش

خبری بیانگر ساریوی تازه‌ای در مسیر بحران‌سازی و جنجال‌افرینی می‌باشد. کنفرانس برلین به همت بنیاد هاینریش بُل آلمان با همکاری حزب سبز این کشور به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون جنبش اصلاحات در ایران در چارچوب روابط بین دو ملت برگزار شد و طیف متنوعی از نیروهای اصلاح طلب جهت طرح آراء و دیدگاههای خود در آن حضور پیدا کردند. اما مجموعه مسائلی که در متن و حاشیه این کنفرانس به وقوع پیوست، به فرهنگی برای بروز جلوه‌های جدیدی از شرایط سیاسی کشور تبدیل شد. گروهی تحت عنوان حزب کمونیست کارگری و نیروهای برانداز در روز اول کنفرانس با استفاده از ناشایست‌ترین روشها مراسم را به هم می‌زنند و مدعوین را به عنوان مزدوران جمهوری اسلامی مورد فحاشی و هتاکی قرار می‌دهند. اقدام تنگین این مدعیان به ظاهر طرفدار خلق که بی‌شک یک فحشا و فساد سیاسی تمام‌عیار بود، علاوه بر آنکه در سنت سیاسی ایران امر بی‌سابقه و غیر قابل توجیه می‌باشد، به غرور و حیثیت ملی ایرانیان لطمه زد.

در برابر این برخورد و قیح، گروه ایرانی حاضر در کنفرانس ابتدا جلسه را ترک کردند و پس از این‌که پلیس با اخراج براندازها امنیت را برقرار کرد، دعوت شدگان با دفاع از حقوقیت و اصالحت جنبش اصلاح طلبی در ایران و کلیت نظام جمهوری اسلامی ضعف منطق و ناتوانی گروههای مزبور را اثبات کردند.

اما از طرف دیگر، ناگهان مروجین خشونت با دستمایه قرار دادن مصاحبه‌ای غیر واقعی از اکبر گنجی انگشت اتهام را متوجه مدعوین کنفرانس برلین نمودند. پس از چندی با ورود صدا و سیما، کنفرانس برلین پرورثه اصلی محافظه‌کاران می‌شود. برخورد کیهان و صدا و سیما بیانگر همویی و اشتراک با اخلاق‌گران موهن کنفرانس برلین می‌باشد. در اینجا سؤالی جدی مطرح می‌شود که چه ارتباطی بین خشونت طلبان داخل و اپوزیسیون برانداز خارجی وجود دارد؟ آیا نگرانی آنها از جریان اصلاح طلب به عنوان یک رقیب سیاسی، آنان را در کنار هم قرار داده است؟! صرف نظر از آن‌که همگونی یا اشتراک ماهیت بین جریانهای مزبور وجود دارد یا نه (و فرق نمی‌کند که آگاهانه یا ناگاهانه باشد)، ولی نوعی رفتار مشترک بین آنها برقرار است که این رفتار اکنون محل منافع ملی و اسباب اذیت و آزار ملت بزرگوار و مسلمان ایران می‌باشد. از این‌رو بزرگترین رسالت جنبش اصلاحات پایان بخسیدن به این الگوی رفتاری در جامعه ایران است. بنابراین عصیت کیهان و

صدا و سیما را در این راستا باید ارزیابی کرد. درست در هنگامی که اپوزیسیون برانداز خارجی در برابر برخورد منطقی و محکم اصلاح طلبان خلع سلاح می‌شود و فضای برای گفت‌وگو با جریان غالب ایرانیان خارج از کشور که معقول و مالمنجوم می‌باشد برقرار می‌گردد، ناگاه جریان خشونت‌طلب داخلی و مخالف اصلاحات سراسیمه بر می‌آشوبد تا مبادا حاکمیت گفتمان جدید به برخوردهای حذفی و انحصار طلبانه که آنها حیات خویش را در آن می‌بینند، پایان دهد. در زمانی که مدعوین کنفرانس برلین مدعای تحول ناپذیری در نظام جمهوری اسلامی و عدم امنیت، آزادی و حقوق بشر را مورد چالش قرار می‌دهند و تصورات سیاه و تاریک در مورد جامعه کنونی ایران را تصحیح کرده، از این طریق فضای جدیدی را در جامعه ایرانیان خارج از کشور ایجاد می‌کنند، آیا عملکرد روزنامه کیهان و صدا و سیما به عنوان تأیید دیدگاههای اپوزیسیون برانداز نمی‌باشد؟

حامیان دیدگاه «ایران برای همه ایرانیان» بر خود فرض می‌دانند، خواسته‌های جامعه ایرانیان خارج از کشور را در چارچوب قانون اساسی مورد توجه قرار دهند. پروژه اصلاحات و دموکراسی در ایران بدون بازگشت جماعت مهاجر ایرانی معنای کامل خود را بازنمی‌باید. بنابراین طبیعی است، افرادی که ایران و ایرانی را فقط در چارچوبهای تنگ منافع جناحی خود می‌بینند و مردم‌سالاری را مراحم برنامه‌های خود می‌دانند، ناجوانمردانه به‌هذاکی و دروغ پراکنی پردازند. اما صدا و سیما جمهوری اسلامی که مدعیان ارزش‌مداری هدایت آن را بر عهده دارند، به‌جهه حقیقی به خود اجازه می‌دهد از جایگاه رسانه ملی عدول نموده، به برخورد گزینشی با کنفرانس برلین همسو با مخالف خشونت‌طلب پردازد.

آیا حاکمیت ارزشها با پخش تصاویر موہن در ماه محرم معنای می‌باید؟ قبیح کار صدا و سیما بیشتر از آنانی است که با أعمال ننگین خود در کنفرانس برلین رسایی افریدند. بی‌شک عملکرد صدا و سیما در همارمونی با اخلاق‌گران کنفرانس برلین می‌باشد. از متولیان صدا و سیما باید پرسید چرا در زمینه مذاکره خفت‌بار محمد جواد لاریجانی که رسمًا خواستار دخالت انگلیس در امور ایران شده بود، سکوت کردید؟! یا آن متشريع نازه انقلابی شده در لندن چه کار می‌کرده است؟ و در آمریکا چه نوع مسائلی را تعقیب می‌نموده است؟!

اما ظلم فاحشی که به وقوع پیوست، در حق اکثریت مخاطبان کنفرانس برلین و

ایرانیان خارج از کشور می‌باشد که اقلیتی جنگالی حقوق آنها را تضییع کرده‌ند. چهره غالب ایرانیان خارج از کشور مسالمت‌جو، منطقی و علاقه‌مند به سرنوشت کشور می‌باشد و کاملاً از گفت‌وگو با ایرانیان داخل کشور استقبال می‌کند. نباید عملکرد سوء اقلیت اپوزیسیون برانداز را به حساب همه ایرانیان خارج از کشور گذاشت. بزرگترین دستاوردهای کنفرانس برلین تفکیک و جدایی بخش معقول و اصلاح طلب ایرانیان خارج از کشور و در حاشیه قرار گرفتن گروههای افراطی و برانداز می‌باشد. درست سرنوشتی که گروههای خشونت‌طلب داخلی دچار آن شده‌اند. اما در پایان، اکبر گنجی نقطه کانونی حملات اپوزیسیون برانداز خارجی بود و سوء تعبیر خبرنگار روزنامه آلمانی چون مانده آسمانی در اختیار روزنامه کیهان برای تصفیه حساب مانل گذشته قرار گرفت. او امروز توان پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای و افشاگری در مورد بخش رسانه‌ای آنها را پس می‌دهد.

در پایان، کنفرانس برلین نقطه شروع خوبی برای توسعه روابط ایران و آلمان در راستای ارتقای منافع ملی و گامی مهم در پایان بخشنیدن به رفتارهای دمکراتیک، اقتدارگرا، خشونت‌طلب، مطلق‌انگار در هر تفکر و جایگاهی می‌باشد.

علی افشاری به دادگاه انقلاب احضار شد^۱

علی افشاری، رئیس کمیته سیاسی دفتر تحکیم وحدت و یکی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین روز گذشته طی ابلاغیه رسمی به دادگاه انقلاب احضار شد. به موجب این احضاریه که به‌امضای مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه انقلاب رسیده بود، علی افشاری به عنوان منتهی ملزم است روز یکشنبه جهت پاره‌ای توضیحات به دادگاه انقلاب مراجعه کند که در صورت عدم حضور وی در موعد مقرر حکم جلب افشاری صادر خواهد شد.

اقدام تلویزیون شبیه بخش برنامه هویت بود^۲

شهلا لاهیجی

شهلا لاهیجی یکی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین گفت: برنامه تلویزیون در

پخش سانسور شده کنفرانس برلین، اقدامی شبیه تهیه و پخش برنامه «هویت» بود که جنبه تحریفی و مغرضانه بسیار آشکاری داشت.

پخش این فیلم دور از شان یک سیتم خبری و حیف و میل بیت‌المال است، که اگر خدا این اقدام را بپنهاد مسؤولان سیما با حق‌الناس چه خواهند کرد؟ اگر هدف از پخش این فیلم نشان دادن واقعیتهای برلین بود، پس چرا مسؤولان تمام فیلم را نشان ندادند و بخشها‌ایی از آن را با قضاوت بیان کردند؟

در بعضی جاهای هیاهوی صدای رانیز به جای دیگر منتقل کرده بودند، همچنین صحنه‌های مشخص و گفتارهای مشخص انتخاب شده بود که نمی‌توانیم نامی جز تحریف و دروغ‌سازی به آن بدھیم.

وی در ارتباط با دستاوردهای این کنفرانس گفت: واکنش مردم و افکار جهانی در قبال این کنفرانس بی‌نهایت مشبّت بود.

لاهیجی با اشاره به این که دعوت شدگان به این کنفرانس یک دست نبودند و از یکدیگر بر احتی اتفاق دیگر نداشتند، گفت: اگر دولتی بخواهد بگوید در جریان اصلاح است، این کنفرانس به نفعش است و این کنفرانس نشان داد امکانات و فضای گفت‌وگو در ایران فراهم شده است. برعغم تصویر مناسب کنفرانس در جهان برخی می‌خواهند با اعمال خشونت و تحریف، همچنان تصویر نادرستی از ایران در ذهن جهانیان باقی بماند.

وی از جمله دیگر دستاوردهای کنفرانس را «ایجاد تزلزل در نگرش ایرانیان خارج از کشور نسبت به اپوزیسیون دانست» و گفت: ایرانیها اقدامهای اپوزیسیون در کنفرانس را اقدامهایی خشونت‌آمیز می‌دانند و آن را محکوم کردند.

لاهیجی همچنین دیگر دستورد این کنفرانس را، تمایل حزب سبز آلمان که از بزرگترین مخالفان رابطه با ایران در آلمان است، به ایجاد رابطه میان دو دولت دانست.

صحبت‌هایی که ما در آن اجلاس کردیم، همان چیزهایی بود که همواره در ایران نیز گفته‌ایم و هدف ما جزوی بختی برای مردم و در جهت ایجاد جامعه مدنی نبوده و نیست و ترسی از پخش سخنان عان نداریم؛ به شرط این که تلویزیون این برنامه را کامل نشان دهد.

من تکذیب می‌کنم^۱

محمود دولت‌آبادی

محمود دولت‌آبادی، نویسنده ایرانی که از جمله سخنرانان کنفرانس بوده است، ضمن رد ادعای همویی و همداستانی سخنرانان و معتبرخان به‌آن، در این‌باره که در فیلم تلویزیون ایران سخنرانان به‌هنگام رقص و برهنه شدن اعتراض کنندگان در سالن حاضر و ناظر نشان داده شده‌اند، می‌گوید: اینها در واقع جزء کلکهای سینمایی است.

فیلم مونتاژ شده بود و بتای با اظهار یکی از وزرای مهم دولت فیلم و نوار و غیره و ذلک سندیت ندارد. در کنفرانس از من خواستند، بروم پشت تریبون برای این‌که خانمهای و آقایانی که به‌سالن هجوم اورده بودند را آرام بکنم و این اصلاً به معنای هم‌صدایی با یک‌سری آدم‌بی‌چهره که معلوم نیست کی هستند، نبوده و حتی به‌اصطلاح ایرانیان خارج از کشور بسیار علاوه‌مند بودند به‌این گفت و گو و مشارکت در سالن و نشستن و گوش دادن به‌این‌که در کشور ما چه می‌گذرد، ولی آنها مانع این کار شدند و در هیچ لحظه‌ای و هیچ نقطه‌ای شرکت کنندگان در کنفرانس با چهره‌های بسی‌چهره‌ای که نمی‌شناختند، نمی‌توانستند همسرو همداستان باشند. این جعل محض است و من تکذیب می‌کنم.

دولت‌آبادی در خصوص احساس خود نسبت به‌اتهام توهین به مقدسات و شعائر اسلامی اظهار داشت: من حتی باور نمی‌کنم که طرف چنین اتهامی باشم، به هیچ وجه برای این‌که من رفتم پشت تریبون و گفتم شما هر دشمنی که می‌خواهید بدھید، به من بدھید. چون همگان من را می‌شناسند و عملاً به‌آنها گفتم، دشمنهایی که می‌دهید متوجه من است و من اصلاً باورم نمی‌شود که طرف چنین اتهامی باشم.

اعلام آمادگی برای بحث آزاد در سیما^۲

در پی اعلام آمادگی صدا و سیما مبنی بر برگزاری یک مناظره آزاد در خصوص کنفرانس برلین، سخنرانان و شرکت کنندگان این کنفرانس با صدور بیانیه‌ای برای شرکت در این برنامه تلویزیونی اعلام آمادگی کردند. در این بیانیه که به‌امضای جمیله کدیور، حمیدرضا جلایی‌پور، شهلا شرکت، علیرضا علوی‌تبار و اکبر

گنجی رسیده، آمده است:

روابط عمومی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است، آماده پخش کامل سخنان افراد شرکت کننده در سمینار برلین و دعوت از سخنرانان آن برای روشن شدن نقاط ابهام است.

ما، سخنرانان و شرکت کنندگان در این سمینار در عین حال که از شیوه این رسانه در پخش گزینش شده سمینار برلین ابراز تأسف می‌کنیم و اطلاعیه روایت عمومی آن سازمان را نشانه پذیرش اتهام گزینش یک کنفرانس چند ساعته می‌دانیم، از اعلام آمادگی آن سازمان برای عمل به رسالت حرفه‌ای خود استقبال می‌کنیم و برای حضور در این برنامه تلویزیونی اعلام آمادگی می‌کنیم.

از نظر ما پخش کامل سخنرانی هر یک از شرکت کنندگان و پرسشها و پاسخهای بعد از آن در این سمینار که به‌نحوی از سوی صدا و سیما سخنرانی آنان تحریف شده است، نخستین و عادلانه‌ترین شرط حضور در این برنامه تلویزیونی است. همچنین به‌نظر می‌رسد شیوه گفت‌وگو مناسب‌ترین شیوه برای جدل احسن و انتخاب بهترین از سوی مخاطبان سیماست که متأسفانه در اثر گزارش ناقص سیما موفق به‌این کار نشده‌اند. بدیهی است شرکت کنندگان در این برنامه تلویزیونی پاسخگویی به‌تحلیلهایی که صدا و سیما پس از برگزاری جلسه ضمیمه برنامه خواهد ساخت را حق مسلم و شرط حضور خود می‌دانند. در عین حال، ما امیدواریم شرایط حضور آقای اکبر گنجی که مشمول بدترین توهینها از صدا و سیمای جمهوری اسلامی شده است، در این برنامه تلویزیونی فراهم آید.

جمله کدیور، حمید رضا جلایی پور، شهلا پرست، علیرضا علوی تبار، اکبر گنجی

با حکم دادگاه انقلاب اسلامی چهار تن از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین

بازداشت شدند^۱

به‌حکم شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی چهار تن از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین بازداشت شدند.

روابط عمومی دادگستری کل استان تهران دیروز با صدور اطلاعیه‌ای اعلام

کرد: در پی شرکت برخی افراد در کنفرانس برلین که در آن به نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارکان آن توهین شده [است]، در این زمینه پرونده قضایی در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران تشکیل شد.

در پی تشکیل این پرونده، تعدادی از افراد شرکت‌کنندۀ در کنفرانس مذکور به دادگاه احضار شدند که در این میان ۶ تن از احضارشوندگان در موعد تعیین شده مراجعت و دادگاه پس از انجام تحقیقات اولیه در مورد هر یک از آنان مبادرت به صدور قرار کرده که مراتب به شرح زیر است:

۱. «اکبر گنجی» که پیشتر به موجب قرار بازداشت موقت صادرۀ از ناحیۀ شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران به لحاظ جرائم عمومی در بازداشت به سر می‌برد، در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۱ به شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران احضار و پس از تفہیم اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» بارعایت تشریفات قانونی مجدداً در خصوص وی قرار بازداشت موقت صادر گردید.

۲. «مهرانگیز کار خیران سده‌ی» به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» بارعایت تشریفات قانونی، قرار بازداشت موقت.

۳. «شهلا عبداللهزاده لاھیجی» به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» بارعایت تشریفات قانونی، قرار بازداشت موقت.

۴. «علی افشاری» به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» بارعایت تشریفات قانونی، قرار بازداشت موقت.

۵. «عزت الله سحابی» به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» پس از تفہیم اتهام مزبور و ملاحظة مدافعت نامبرده توسط شعبه سوم دادگاه، جهت نامبرده قرار وثیقه به وجه الوثیقة ۴۰۵ میلیون ریال صادر که با توجه به تودیع آن از جانب متهم، نامبرده آزاد شد.

۶. «حمدیرضا جلالی پور» به اتهام «اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق

شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» پس از تفهم اتهام مزبور و ملاحظه مدافعت نامبرده توسط شعبه سوم دادگاه، نامبرده با صدور قرار کفالت به وجه الکفاله ۱۰۰ میلیون ریال آزاد شد.

لازم به ذکر است برخی از افراد بازداشت شده فوق علاوه بر اتهامات یادشده اتهامات دیگری نیز متوجه آنان بوده که مراتب از ناحیه دادگاه مذکور در حال بررسی می‌باشد. این اطلاعیه همچنین حاکی است، در مورد سایر افراد دیگر نیز که در کنفرانس مذکور شرکت داشته‌اند، شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران تعیین وقت نموده که از طریق ارسال برگه‌های احضار مراتب به آنان اعلام شده است که نتیجه تحقیقات انجام شده متعاقباً از طریق اطلاعیه‌های بعدی به اطلاع ملت شریف ایران خواهد رسید.

بازجویی از افراد شرکت کننده در کنفرانس برلین در دادگاه انقلاب آغاز شد^۱ حمیدرضا جلایی پور، عضو شورای سیاستگذاری روزنامه عصر آزادگان و عزت الله سحابی، مدیر مژول دو هفته‌نامه ایران فردای ادای توضیع درباره سخنرانی در کنفرانس برلین در دادگاه انقلاب اسلامی تهران حضور یافتند.

حمیدرضا جلایی پور و عزت الله سحابی دو تن از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین ساعت ۹ صبح دیروز (یکشنبه) در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران حضور یافتند. بر پایه این گزارش، جلایی پور و سحابی هر کدام به طور جداگانه به سوالهای قاضی درباره ماجراهی کنفرانس برلین به طور کتبی پاسخ دادند. در پایان بازجویی قاضی برای آنان قرار تأمین صادر کرد و آنان نیز با سپردن وثیقه تازمان رسیدگی به پرونده اتهامی آزاد شدند. همچنین شهلا لاهیجی، ناشر کتاب و مهرانگیز کار، حقوقدان که روز شنبه دهم اردیبهشت برای پاسخگویی به دادگاه شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران مراجعه کرده بودند، به سوالهای قاضی درباره شرکت و سخنرانی در کنفرانس برلین به طور کتبی پاسخ دادند. بر پایه این گزارش شنیده شده است، در پایان بازجویی، قاضی شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار را با قرار قانونی بازداشت کرد، که آنان از دادگاه انقلاب به زندان اوین منتقال یافتند.

همچنین علی افشاری، بهاتهام اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق شرکت در کنفرانس برلین و تبلیغ عملی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با رعایت تشریفات قانونی قرار، بازداشت موقت [شد].

کانون نویسندگان در اعتراض به بازداشت لاهیجی و مهرانگیز کار اعلام کرد
آنچه در برلین رخ داد، خارج از اراده شرکت کنندگان بود.^۱

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای به بازداشت مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی،
دو تن از شرکت کنندگان در سمینار برلین که عضو کانون هستند اعتراض کرد، اما از
هر گونه موضعگیری درباره این سمینار خودداری کرد.

بیانیه شورای دبیران کانون نویسندگان با اشاره به صدور قرار بازداشت برای
«تنی چند از شرکت کنندگان در سمینار برلین و از جمله برخی از اعضای کانون
نویسندگان» و با تأکید بر وظيفة کانون در دفاع از آزادی بیان و قلم و اندیشه از
منامات مسؤول خواست هر چه زودتر احکام بازداشت را الغور بازداشت شدگان از
جمله لاهیجی و مهرانگیز کار را آزاد کند. کانون نویسندگان همچنین مدعی شد:
«بازداشت شدگان از حداقل حقوق قانونی و امکانات قضایی محروم مانده‌اند».
کانون نویسندگان در این بیانیه بی‌آنکه بخواهد نفیا یا اثباتاً درباره چگونگی
برگزاری سمینار یادشده و ماجراهایی که بر آن رفته است، سخنی بگوید، افلهار
داشت: آنچه در سمینار رخ داده است، خارج از اراده شرکت کنندگان در سمینار از
جمله بازداشت شدگان بوده است. شرکت کنندگان فقط نظر خود را بیان کرده‌اند و
این حق مسلم افراد است که در اجلاسها و سمینارها برای اظهار نظر شرکت کنند.
هر گونه اتهام علیه هر یک از شهروندان ایرانی باید با رعایت کامل حقوق
شهری و در جوی آرام و دمکراتیک به دور از هر گونه تشنج، هیجان‌زدگی،
زمینه‌چینی و احیاناً سوء استفاده‌های سیاسی و نیز در فضایی عادلانه و کاملاً قضایی
پیگیری شود.

پیوستها

Reza.Golshan.Com
www.KetabFarsi.Com

«پیوست ۱» واکنش اپوزیسیون خارج از کشور

رواایت تشکلهای سیاسی

همزمان با آغاز کار کنفرانس «ایران پس از انتخابات» مخالفان کنفرانس برلین میتینگ برگزار می‌کنند^۱

همزمان با آغاز کار کنفرانس «ایران پس از انتخابات مجلس» که به استکار بنیاد هاینریش بول از امروز جمعه ۱۹ فروردین (۷ آوریل) در شهر برلین آلمان و در محل «خانه فرهنگ‌های جهان» برگزار می‌گردد، مخالفان این کنفرانس نیز میتینگ اعتراضی برگزار می‌کنند. در اطلاع‌بیهای که «حزب کمونیست کارگری» با عنوان «جمهوری اسلامی رفتگی است» انتشار داده، همه سازمانها، احزاب، نشریات، رادیو و تلویزیونها و شخصیتهای متعدد را فراخوانده است که در آکسیون حزب یادشده شرکت کنند. میتینگ این گروه مخالف که در مقابل خانه فرهنگ‌های جهان (محل برگزاری کنفرانس ایران) تشکیل می‌گردد، افرادی چون مینا اسدی، فریدون گیلانی، بصیر نصیبی و... در آن سخنرانی می‌کنند. بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری، این میتینگ اعتراضی، روزهای شنبه و یکشنبه و به موازات کار کنفرانس ایران ادامه خواهد یافت.

حزب کمونیست کارگری ایران

مودم! در برلین به صف آزادیخواهان ملحق شوید^۲

کنفرانس خانه فرهنگ‌ها در روزهای ۷ تا ۹ آوریل با شرکت دوم خردادیها در برلین و کنفرانس آئروناتیو حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت کمونیستها، مردم آزادیخواه و مخالفان

۱. به نقل از سایت اینترنتی ایران امروز، فروردین ۱۳۷۹.

۲. اطلاعیه حزب کمونیست کارگری، ۲۱ مارس ۲۰۰۰. قابل ذکر است این حزب به شترین مخالفت و نقش مهمی در اخلالگری و برهم زدن کنفرانس داشت.

جمهوری اسلامی، یک گوشه تقابل وسیعتر بر سر خواستن و نخواستن جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایران است.

این دوره، دوره عقب‌نشینی حکومت اسلامی و به میدان آمدن سیاسی وسیع مردم برای خلاصی از این کابوس بیست‌ساله است. حفظ‌بندی‌های جدید، قطبی شدن و جدال بر سر افق‌های سیاسی و اجتماعی، یک ویژگی سیاسی این دوره است. کنفرانس اول نلاش بهوده رژیم و کودنی سیاسی ایوزیون طرفدار آن! برای نجات جمهوری اسلامی، نلاش غرب برای مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی از مجرای تقویت جناحی از آن و شرکت در جنگ بقای رژیم اسلامی است. این نقش سیاسی‌ای است که این کنفرانس به عهده دارد. کنفرانس آلترا ناتیو به طرف سوم این جدال تعلق دارد. به مردمی که جمهوری اسلامی را با خاتمی و بدون خاتمی نمی‌خواهند، ماهیت و نقش سیاسی این کنفرانس را می‌شناسند و با آن مخالفند.

مردم! در برلین به صفت آزادی‌خواهان ملحق شوید. این صفت، صفت شماست. می‌تینگ ما، می‌تینگ هر جریان و شخصیت سیاسی آزادی‌خواهی است که جمهوری اسلامی و دولت مذهبی نمی‌خواهد و مردم ایران را شایسته یک زندگی بهتر، جامعه‌ای آزاد، برابر، مرتفع و مدرن می‌داند. در این صفت، حرف دل مردم ایران تمام قد و با صدای بلند به افکار عمومی اعلام می‌شود؛ به صفت ما ملحق شوید.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!
زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران

در حاشیه اظهارات حمیدرضا جلایی پور
قاتلین دیروز، «اصلاح طلبان» امروز!^۱

گفت و گوی حمیدرضا جلایی پور با نشریه عصر آزادگان^۲، به شکل نمونه‌واری ماهیت باندهای سیاسی حکومتی موسوم به اصلاح طلب و شخصیت‌های آن را بر ملا می‌کند. جلایی پور که ده سال در کردستان بوده و در سرکوب، اعدام دسته‌جمعی و جنگ علیه مردم مسوولیت‌های کلیدی داشته است، با کمال بی‌شرمی عنوان می‌کند که جزء کاروان انقلاب و امام بوده و از کرده خود بشیمان نیست. می‌گوید، کنترل قارنا و جنگ نقده را گروههای مسلح راه انداختند و آنها بی که

۱. اطلاعیه حزب کمونیست کارگری، ۷ آوریل ۲۰۰۰.

۲. شماره ۱۲۲، پنجشنبه ۱۸ فروردین.

دسته جمعی اعدام شدند، اعضای گروههای مسلح بودند. از خمبازههای بارانها، از بگیر و پیشدها و از اعدامهای دسته جمعی کمونیستها و مردم معرض که البته به دست امثال ایشان انجام شده، هنوز هم در ملاً عام و بی شرمانه دفاع می‌کند و می‌گوید، گروههای سیاسی باید پیشمان باشند. این قاتل یکی از قهرمانان و شخصیت‌های حماسی «جنیش دوم خرداد» است. گنجی و حجاریان از دیگر اساطیر هستند. این بجهه‌های قدیمی سپاه و اطلاعات «این بنیانگذاران خشونت و چماقداری و بساط شکنجه و ترور و اعدام در ایران» آری، اینها هستند «الله‌های اپوزیسیون مفلوک طرفدار خاتمی». دوباره همدیگر را پیدا کرده‌اند: توده‌ای-اکتریتی و خط امامی و حزب‌الله سابق، جمهوریخواه و لیبرال آخوندزاده و «روشنفکران مذهبی» و محافل مغضوب ملی‌اسلامی، دیروز برای دفاع از «کاروان انقلاب و امام» و سرکوب مردم و مخالفان متعدد بودند، امروز در وحشت از انقلاب کارگران و مردم متعددند و رجز می‌خوانند. این امر مشترکشان است.

نگرانی جلایی پورها بجاست. اما نخه‌شان بوج است. مردم، جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی نمی‌خواهند. آنچه جلایی پورها، یعنی جنایتکاران و اطلاعاتیهای رژیم را «لطیف» کرده زمین داغ زیر پایشان و عزم علنی جامعه ایران برای بعزمیر کشیدن کل نکت جمهوری اسلامی است. این حکم رفتن جمهوری اسلامی است که قاتلهای پیشکشوت را «اصلاح طلب» کرده است. اما این تغیری در این واقعیت نمی‌دهد که در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، جایشان در دادگاه متهمان به قتل دسته جمعی و شکنجه و تجاوز، محفوظ است. این کابوس در مقابل همه اینهاست. به این دلیل هم زوزه مرگ می‌کشند و هم با دفاع از جنایتشان چنگال خونین‌شان را نشان مردم معرض می‌دهند.

پدیده «دوم خرداد» و «شخصیت‌هایش» پدیده گذرایی در روند تحولات سیاسی ایرانند و اپوزیسیون اسلام‌زده و خوش‌خيالی که سرنوشت‌ش را به این ارباب مرگ گره‌زده است، دارد علناً در جنگ مردم ایران و جمهوری اسلامی، در سنگر رژیم می‌رود و سرنوشت‌ش را به سرنوشت آن گره می‌زند. اما بازندۀ این جنگ جمهوری اسلامی است. و جلایی پورها دیگر نه قهرمان داستان بلکه مجرمین دادگاهی هستند که پرونده‌شان را ورق خواهد زد و حقایق آن جامعه را از زبان قربانی‌شان بازگو خواهد کرد. آن وقت هر کسی باید مسؤولیت اعمالش را بگیرد. از اینها فاصله بگیرد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمپنه خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

میتینگ گسترش حزب کمونیست کارگری ایران در برلین ادامه دارد!^۱
کنفرانس بنیاد هاینریش بُل که با حمایت و همراهی دولت آلمان و سفارت جمهوری اسلامی
سازمان داده شده بود، بهم خورد!

نمایشی که بد کمک دولت آلمان، بنیاد هاینریش بُل و با نظارت و همراهی سفیر
حکومت اسلامی برای مشروعیت دادن به حکومت اسلامی برپا شده بود، در میان اعتراض
تند مخالفین رژیم بهم خورد.

کنفرانس به دنبال سخنرانی تعدادی از مخالفین رژیم از جمله مینا احمدی، عضو کمیته
مرکزی حزب کمونیست کارگری، خاتمه یافته اعلام شد.

برخی از سخنرانان این کنفرانس جناحتکاران جنگی هستند که باید در یک دادگاه عادلانه
و مردمی به جرم جنایات بیشماری که علیه ۶۰ میلیون مردم مستعدیده در طول ۲۰ سال
گذشته انجام داده اند، محاکمه شوند.

سخنرانان مر تجمع دوم خردادی، توسط مردم آزادیخواه هو شدند و یکی یکی کنار رفتند.
هم اکنون کنفرانس گسترش حزب کمونیست کارگری در خارج سالن کنفرانس ادامه دارد.
تلashهای دولت آلمان و جریانهای مر تجمع حامی حکومت جناحتکاران با افتضاح کامل
شکت خورد. مقامات دولت آلمان، چهره های دوم خردادی، جریانهای حقیر اکثریتی توده ای
که تمام نیروی خود را برای این کنفرانس به کار انداخته بودند، چیزی جز بی آبرویی و رسایی
بیشتر نصیبان نشد. اینها باید درس بگیرند که ارزش انسان از حکومت اسلامی،
حکومت صدهزار اعدام، عمیق تر از آن است که بتوان در ملا عام از آن پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری همراه با گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت
جنایتکار اسلامی، تلاش هر جریان و سازمانی را که از این حکومت حمایت کند، قاطعانه
افشا خواهد کرد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوبالیستی

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱. اطلاعیه حزب کمونیست کارگری، ۸ آوریل ۲۰۰۰.

بعد از کنفرانس برلین: صفت‌بندیهای جدید^۱

روزهای اخیر، برلین صحنه رویارویی داغ کمونیستها و آزادیخواهان از یک طرف و مرتجمین و واپسگرایان اسلامی از طرف دیگر بود. این گوشه از تقابل بر سر خواستن و نخواستن جمهوری اسلامی، و تنها پیش درآمدی به تقابل‌های وسیع‌تر در داخل و خارج ایران است. در این رویارویی، کمونیستها و مردم آزادیخواه مخالف رژیم، سیاست کنار آمدن با جمهوری اسلامی را مفتضحانه شکست دادند. کمونیستها از دهها تریبون به جهانیان اعلام کردند که مردم از این رژیم متغیرتر از آنند که بشود مقابلشان، آن هم در خارج کشور، پامنیری آخوند و شکنجه گر شد. در مقز کودن طرفداران «جنش دوم خرداد» فروکردند که اگر می‌خواهند قاتل پشکسوت و تازه اصلاح‌طلبی از ایران دعوت کنند، باید بیش از یک بار فکر کنند.

این یک افتضاح سیاسی برای طرفداران رنگارنگ رژیم و یک پیروزی برای مردمی است که در آرزوی شیرین به گود سپردن جمهوری اسلامی اند. برگزاری موفق این کنفرانس از جایگاه مهمی در محاسبات سیاسی و دیپلماتیک برای دولتهای ایران و آلمان و همین‌طور آینده ایوژیسیون طرفدار رژیم، پرخوردار بود. اما این محاسبات بهم خورد و اولین عکس‌العملهای هیتریک به کمونیستها و معارضین، ماهیت ضد مردمی اینها را بر ملا کرد و صفت‌بندیهای سیاسی بیشتر خود را نشان دادند. جریانهای اکثریتی توده‌ای، محافل امیدوار به‌خاتمی مانند راه کارگر و اتحاد فداییان، مشروطه‌خواهان و ملیتون، روزنامه‌های دوم خردادی در داخل مانند عصر آزادگان، فتح، کیهان و رسانه‌های دست راستی فارسی‌زبان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، همزمان با یک لعن و استدلال، کمونیستها و مردم مخالف جمهوری اسلامی را محکوم کردند. این در حالی بود که مردم مخالف رژیم اسلامی و آزادیخواهان در ایران و خارج وسیعاً خوشحال شدند. بزرگترین اشتباه خواهد بود، اگر کسی این نزدیکیها رژیم اسلامی را مسائلهای تاکتیکی و روشی بداند. این اشتراک در افقهای سیاسی است که در مقاطع تعیین‌کننده‌ای بنچار افراد و جریانها و مرتجمین جنایتکاری را در کنار هم قرار می‌دهد. بخشی از اینها که دستشان به هیچ جایی بند نیست، اصول سیاسی و فکری‌شان موافق است و سیاست برایشان امر معکنات است. فقط ترحم برانگیزند. اما بخش وسیع‌تری از این شیماپوزیسیون، هر جمهوری جنایت و هر شکنجه گر سابق را به کمونیستها ترجیح می‌دهند. اینها مخالفشان بنیادی تر است. در اوج استیصالشان چراگی به رژیم می‌دهند و فحشی به‌اپوزیسیون کمونیست. ما کمونیستها و کارگران، مازنان و جوانان، ما مردم مخالف جمهوری اسلامی هم، اینها را همان‌طور که هستند، نگاه می‌کنیم.

۱. پیشین.

مردم خشمگین مخالف جمهوری اسلامی، بدرستی نتوانستند چهره‌های قاتل و اطلاعاتی و شکنجه‌گر را تعامل کنند. این خشم تاریخی عمیقاً قابل درک است. اما اگر دلالان سیاسی و جریانهای حقر طرفدار رژیم فکر می‌کنند که حزب کمونیست کارگری با این تبلیغات هیستوریک عقب می‌نشیند، کور خوانده‌اند. ما داریم به سمت دوره‌ای می‌رویم که پرونده مسیبان کل تاریخ سیاه جمهوری اسلامی در دادگاههای مردمی ورق زده شود. دوم خردادیهای امثال گنجی و حجاریان و جلایی پور که بنیانگذاران چماقداری و نهادهای سرکوب و شکنجه در ایران بودند، هر کدام صدها شاکی خصوصی دارند و باید فی الحال پاسخگو باشند. مخالفت اینها با باند بغلی‌شان در رژیم، اینها را در موضع سخنرانی قرار نمی‌دهد. ما انتقام‌جو نیستیم. در حکومت مورد نظر ما حتی کثیف‌ترین این جانیان اعدام نخواهند شد. اما اینها بدوأ باید در یک دادگاه عادلانه و علنی محاکمه شوند و بعد از انبات یگناهی‌شان یا طی کردن دوران جرم‌شان، مانند بقیه شهروندان از حق آزادانه و بی‌قيد و شرط بیان و نقد استفاده کنند. کنفرانس برلین و مسائل حول و حوش آن نشان داد که ظاهراً جریانهای دوم خردادی و متعددین جدیدشان که علناً در هیأت «ناجی» رژیم جمهوری اسلامی ظاهر شده‌اند، به جنگ آخرشان آمده‌اند. ما از این فضا استقبال می‌کنیم. این رژیم رفتگی است. و تا فرصت هست، هیچ‌کسی و هیچ جریانی خود را در کنار این مرده تاریخی قرار ندهد.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

اختشاشگران کنفرانس برلین، خواستار محاکمه گنجی، حجاریان و جلایی پور شدند^۱ گروه ضد انقلابی موسوم به حزب کمونیست کارگری ایران شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین را مرتجمین و واپسگرایان اسلامی توصیف و عنوان کرد که در رویارویی برلین، سیاست کنار آمدن با جمهوری اسلامی مفتضحانه شکست خورد.

اطلاعیه این گروه مقیم خارج که حتی به گفته برخی دیگر از گروههای خارج از کشور با سفارت اسرائیل در آلمان مرتبط است، هواداران جبهه دوم خرداد را «کودن»، «قاتل پیشکسوت»، «شکنجه‌گر» و «مرتجم» توصیف کرده است.

گروه کمونیست کارگری ایران همچنین با توصیف کردن چنده اخلالگر و آشوبگر در کنفرانس برلین به عنوان مردم گفت: جریانهای اکثریتی متوجه‌ای، معافل امیدوار به خاتمی مانند راه کارگر و اتحاد قداییان و ملیون، روزنامه‌های دوم خردادی، کمونیستها و مردم مخالف جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

این گروه، همچنین خواستار محاکمه دوم خردادیهای مانند گنجی، حجاریان و جلایی بور شد و افزود این افراد باید پاسخگو باشند.

در این اطلاعیه آمده است: مخالفت آنها با باند بغلی‌شان در رژیم، اینها را در موضع سخنرانی قرار نمی‌دهد.

گروه حزب کمونیست کارگری ایران در پایان اطلاعیه خود با حملات شدید به جبهه دوم خرداد نوشت: کنفرانس برلین و مسائل حول و حوش آن نشان داد که ظاهراً جریانهای دوم خردادی و متعددین جدیدشان که علناً در هیأت «ناجی» رژیم اسلامی شده‌اند، به جنگ آخرشان آمده‌اند.

سازمان راه کارگر^۱

بوهم زدن نشست برلین را محکوم می‌کنیم!

سازمان ما از اعتراض‌کنندگان به برگزاری کنفرانس (جلسات بحث و گفت‌وگویی) بوده است، که توسط بنیاد هاینریش بُل از دیروز در شهر برلین آلمان در حال برگزاری است. دولت آلمان قصد دارد با چنین تمهداتی راه را برای برقراری مجدد رابطه سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی هموار سازد و به عواقبی که محاکمات میکونوس در ارتباط با سیاست خارجی آلمان به وجود آورد، نقطه پایان بگذارد. وظیفة این نشست این است که نشان دهد نسیم دیگری در جمهوری «ترور، اعدام و فلکت» وزیدن گرفته، جمهوری اسلامی دیگری با سیمای متمدن در حال ساخته شدن است و... درست به همین خاطر است که اپوزیسیون رادیکال و غیر قانونی رژیم جمهوری اسلامی که قربانی سرکوبگریهای رژیم اسلامی بوده و هست، از تریبون فوق محروم شده است تا صدای حقیقت درباره اوضاع واقعی در ایران این بساطه دیبلماتیک را که می‌خواهد فرهنگ را به ایزار دیبلوماسی مغازله با «جمهوری ترور و جنایت» مبدل کند، در هم نریزدا از نقطه‌نظر شیوه برخورد، سازمان ما با عزیمت از اعتقاد راسخ خویش به آزادی بی‌قید و شرط بیان و اندیشه، با هرگونه حرکت خشونت‌طلبانه و اقدامی که قصد حذف حق بیان شرکت‌کنندگان در این کنفرانس را داشته باشد، مخالف است. ما اعتراضمان را از طریق شرکت در آکیونهای اعتراضی و نیز انتقاد و افشاء نقش و هدفهای دولت آلمان و نیز نقش اصلاحگران در داخل به شیوه‌ای اثباتی و با یاری گرفتن از قدرت منطق مطرح می‌سازیم. اتخاذ چنین موضعی از سوی سازمان ما البته تازگی نداشته و مبارزة ما با چماقداری در خارج از کشور از تاریخچه‌ای قریب بدوده برخوردار است. ما بر این

۱. به نقل از سایت اینترنتی ایران امروز، فروردین ۱۳۷۹.

عقیده بوده و هستیم که مترادف داشتن رادیکالیسم و توسل به شیوه‌های خشونت طلبانه برای خاموش کردن مخالفانی که دارای عقایدی کاملاً متضاد با ما هستند، از ضعف منطق و از روحیه تمامیت‌خواهی نشأت می‌گیرد. شیوه به کار گرفته شده توسط حزب کمونیست کارگری و یا برخی عناصر و افراد دیگر نمونه بارزی از رویکرد فوق است. نماینده این جریان که حدود ۱۵ دقیقه تریبون این کنفرانس را در اختیار داشت، اولاً خود را تنها نماینده معتبرضیین داخل و بیرون سالن معرفی کرده و ثانیاً تعامی تلاش او و همراهانش صرف بر هم زدن جلة مذبور شد. این در حالی بود که بخش قابل توجهی از نیروهای چپ و رادیکال ضمن داشتن انتقادهای بنیادی به این بازی دیپلماتیک و نیز به نقش و جایگاه اصلاح طلبی در ایران با شیوه‌های فوق مخالف بودند.

عصر چاقداری بهر شیوه و وسیله و تحت هر نام و عنوانی سپری شده و عاملین و کارچرخانان آن اکنون در میان افکار عمومی ایران و جهان بیش از همیشه رسوا بوده و خواهند بود!

هیأت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۰ فروردین ۱۳۷۹

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

بوهم زدن کنفرانس ایران را محکوم می‌کنیم!^۱

عده‌ای از نیروهای ابوزیون، جلسه روز شنبه کنفرانس ایران را که توسط بنیاد هاینریش بُل تشکیل شده است، بر هم زدند و نگذاشتند کنفرانس به کار خود ادامه دهد. با وجود این که برگزارکنندگان کنفرانس تریبون را در اختیار نماینده‌گان آنها قرار دادند تا اعتراض خود را نسبت به برگزاری این نشست و سرکوبهایی که توسط جمهوری اسلامی در طی بیست سال صورت گرفته است اعلام کنند، با این‌همه آنها امکان ندادند که جلة بحث و گفت‌وگو به کار خود ادامه دهد.

ما اقدام این نیروها را برای نقد آزادی بیان و اندیشه و حرکت خشونت‌آمیز آنها را برای جلوگیری از برگزاری کنفرانس محکوم می‌کنیم. شیوه چاقداری و قدری در داخل و خارج از کشور توسط هر نیرویی و بهر عنوانی به کار گرفته شود، محکوم است.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۲۰ فروردین ۱۳۷۹

۱. پیشین.